



تبیین و بررسی فقهی تجسس در فعالیت‌ها و اطلاعاتی - امنیت

مرتضی سلیمانی*

یاسر سلیمانی**

چکیده

جمهوری اسلامی ایران که الگوی نظام اسلامی را معرفی کرده و به تشکیل سازمان اطلاعات اقدام ورزیده، همواره با این سؤال مواجه بوده که حدود تجسس از حریم خصوصی افراد از منظر فقه امامیه چیست و چه حکمی دارد؟ پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیلی - توصیفی و با استناد به مبانی نقلی و حیاتی و عقلی برهانی، به بررسی این موضوع می‌پردازد. بدین منظور موارد حرمت و عدم جواز تجسس از حریم افراد و تجسس ضد حکومت اسلامی مورد فحص و تدقیق واقع گشت. در مورد تجسس از حریم افراد می‌توان گفت از مجموع ادله، حرمت تجسس به‌طور مطلق به‌دست می‌آید. اگر بگوییم ادله حرمت تجسس، مطلق و شامل همه موارد تفتیش و تجسس است، در صورت تعارض و تنافی میان تجسس با عناوین و حالات مختلف دیگر، باید طبق قانون تزاخم عمل کرد و اهم و اصلح را به‌دست آورد و آن را مقدم کرد، اما اگر موضوع تجسس حرام را مقید به هتک عرض افراد و اغراض فاسد بدانیم، قهراً در مواردی که اغراض صحیح و مفید مقصود باشد، تخصصاً از موضوع تجسس حرام خارج خواهد بود. تجسس ضد حکومت اسلامی نیز با استناد به ادله عقلی و نقلی حرام است.

کلیدواژه‌گان: تجسس، حرمت، حریم، حرام، سازمان اطلاعاتی - امنیتی

mbyzyf@gmail.com

mertisu@gmail.com

* پژوهشگر و مدرس دانشگاه امام باقر (ع)

** دانشجوی دکتری، مدرس دانشگاه و پژوهشگر مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۲۸

تاریخ تأیید: ۹۵/۱۲/۱۱

مقدمه

اساساً ذات انسان کنجکاو است و دائم به دنبال کسب اخبار جدید و اطلاع از احوال دیگران است و در این زمینه در بسیاری مواقع میل به تجسس از حریم خصوصی دیگران نیز دارد و مانع این حس درونی نوع انسان، چیزی جز اعتقاد و ایمان به احکام شرعی و اتباع از احکام عقل سلیم نیست. از سوی دیگر، از زمانی که انسان وجود داشته، همراه او جنگ و دفاع از خود در مقابل حملات دشمن نیز بوده و در این زمینه وسایل مختلفی را برای دفع اقدامات خصم استفاده می کرده و برای پیشبرد اهداف خود و جلوگیری از اقدامات دشمن گاهی به تجسس در امور می پرداخته است. با این مقدمه می توان گفت مقاله حاضر از حیث کاربردی و عملی اهمیت بسیار زیادی دارد؛ چه آنکه در مقام عمل تعیین محدوده حرمت تجسس برای احتراز از وقوع در خطرها و اجتناب از ارتکاب محرمات الهی بسیار ضروری است و از سوی دیگر، بررسی محدوده جواز و ضوابط آن نیز برای مکلفین به ویژه سازمان ها و نهادهای اطلاعاتی - امنیتی که به طور مداوم با این سنخ مسائل دست و پنجه نرم می کنند، بسیار حائز اهمیت است.

جمهوری اسلامی ایران پس از معرفی الگوی نظام اسلامی و تشکیل سازمان اطلاعات، همواره با این سؤال مواجه بوده که حدود و ثغور تجسس طبق موازین شرعی چگونه است؟ آیا روش های متعارف اطلاعاتی در دنیا، در نظامی اسلامی نیز مورد استفاده قرار می گیرد؟ تجسس از حریم خصوصی افراد در حوزه مأموریتی ایشان از منظر فقه امامیه چه حکمی دارد؟ در صورت حرمت تجسس، چه مصادیقی تخصیصاً یا تخصصاً از شمول حکم حرمت خارج است؟

مقاله حاضر در سه بخش ادبیات نظری، یافته های توصیفی و تحلیلی در صدد پاسخگویی به این سؤالات است.

بخش اول: ادبیات نظری و پیشینه موضوع

تاریخچه

در تاریخ آمده است که مصری های قدیم چند قرن قبل از میلاد حضرت مسیح علیه السلام

دارای اداره اطلاعات و مخابرات و جاسوسی بوده‌اند (هانی، ۱۹۷۴ق: ص ۳۳) یا مثلاً در حالات اسکندر مقدونی ارباب تواریخ آورده‌اند او اولین کسی بود که جاسوس‌ها و عیونی برای اطلاع از مسائل دشمن می‌گمارد (قلقشندی، ۱۳۳۴ق: ج ۱، ص ۴۲۹). در قصص الانبیاء عبدالوهاب نجار نقل می‌کند که موسی علیه السلام قبل از اینکه بنی اسرائیل را به بیت المقدس انتقال دهد، دوازده جاسوس را به آنجا فرستاد تا کسب اطلاعات کنند و به ایشان خبر دهند (نجار، ۱۴۰۵ق: ص ۲۲۷). در قصه حضرت سلیمان بن داود علیه السلام و هدهد و ملکه سبا نیز اشاره‌ای شده که حضرت سلیمان علیه السلام از اخبار هدهد از ممالک دیگر استفاده کرده است؛ چنان که در قرآن کریم خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ. لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِيَنِي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ. فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطُ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبِيٍّ يَقِينٍ﴾ (نمل: ۲۰-۲۱). سؤال حضرت سلیمان از وجود هدهد، دلالت بر هشیاری و زیرکی و اهتمام کامل ایشان به امور جنود خود است و از سوی دیگر، استفاده ایشان از هدهد به عنوان مخبر حکایت از اهمیت آن دارد.

خلاصه اینکه در طول تاریخ، هم جائزین زمان‌های مختلف و هم انبیای الهی تجسس می‌کرده‌اند. در دین مبین اسلام نیز در زمان رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و در زمان ائمه علیهم السلام مشروعیت داشته و جایز بوده است، اما در اسلام در بسیاری موارد هم تجسس محکوم به حکم حرمت است و فاعل آن معاقب است. بر این اساس، عمل تجسس از بدو وجود انسان همزاد او بوده است.

مفاهیم و تعاریف

۱. تجسس

تجسس در لغت و عرف به معنای جستجو از باطن و درون امور است. لحيانی می‌گوید: از فلانی تجسس کردم، یعنی بحث و جستجو و کاوش کردم، همانند «تجسس» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۲۸۳).

«تجسس الخبر» یعنی در پس خبر به جستجو پرداختن و نهان امور را کاویدن. جاسوس، به حامل پیام فتنه‌انگیز گفته می‌شود (شرتونی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۱۲۳). «تجسس» یعنی به سخن قوم گوش داد و خبر آنها را به قصد خیر دریافت کرد و «تجسس» یعنی خبر و احوال آنها را به انگیزه شر و فتنه دریافت کرد (همان: ص ۱۹۱؛ ثعالی، ۱۴۱۶ق: ج ۴، ص ۱۹۰؛ طبرسی، بی تا: ج ۹، ص ۱۳۷).

بر اساس بررسی کتب لغت، تفاوت‌های این دو واژه عبارت‌اند از:

۱. «تجسس» تفتیش و بازرسی از بواطن و پنهانی‌های امور است؛ درحالی‌که «تجسس» جستجو از چیزی است که دیگری آن را می‌داند.

۲. «تجسس» در امور شر و «تجسس» در امور خیر است.

۳. «تجسس» به دست آوردن خبر برای دیگری و «تجسس» تفتیش و طلب خبر برای خویش است.

۴. «تجسس» بحث و کنجکاوای از عورات و «تجسس» استماع اخبار مردم است (محقق، بی تا: ج ۵، ص ۱۶۶-۱۶۷).

در مورد مسئله تجسس در شریعت اسلامی، تعریف و معنای شرعی یا متشرع خاصی وجود ندارد (مشکینی، ۱۳۸۶: ص ۱۲۸). فقها بحث مستقلی که جامع بحث تجسس باشد، در کتب خود برای آن قرار نداده و صرفاً در برخی از ابواب فقه به بررسی احکام وضعی یا تکلیفی آن پرداخته‌اند. روایات بسیار زیادی وجود دارد که در آنها صریحاً از تفتیس و تجسس نهی شده است (عسقلانی، ۱۴۱۰: ج ۴، ص ۱۷۰).

نتیجه اینکه در متون فقهی معنای خاص اصطلاحی برای تجسس به کار نرفته است و اگر بخواهیم «تجسس» را تعریف کنیم، تعریف چیزی جز شرح اسم نیست و عموماً در متون مختلف فقهی و روایی تجسس و مشتقات آن به دو معنا به کار می‌رود: تفتیش و تفحص از اسرار، عورات و زشتی‌های افراد، و خیانت به نظام و بیضه اسلام. تفصیل دو معنا مسامحی است و شاید معنای دوم داخل در معنای اول باشد.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهشی موضوع مورد بحث را در جدولی که در پی می‌آید، ارائه کرده‌ایم:

موضوع محوری و یافته‌ها	روش پژوهش	اهداف یا سؤالات اصلی	نویسندگان، سال پژوهش
حرمت اولیه تجسس از منظر فقه امامیه	تحلیلی - توصیفی	واکاوی تجسس از حریم خصوصی افراد از منظر فقه امامیه	۱. علی اکبری بابوکسانی، صادقی، ۱۳۹۱
حرمت اولیه تجسس از منظر فقه امامیه	تحلیلی - توصیفی	بررسی قلمرو اولیه جاسوسی و تجسس در اسلام	۲. علی اکبری بابوکسانی، اسفندیاری، ۱۳۸۸
ممنوعیت تفتیش عقاید و ممنوعیت تجسس، مگر به حکم قانون	تحلیلی - توصیفی	بررسی و تبیین مبانی جزایی تجسس و تفتیش عقاید	۳. الواروی، صابری، ۱۳۸۷
حرمت اولیه تجسس از منظر فقه امامیه در نظام اسلامی و بررسی مقدمات	تحلیلی - توصیفی	بررسی فقهی تجسس در اسلام	۴. عظیمی گرگانی، ۱۳۸۷
بررسی ادله لزوم اطلاعات و تحقیقات، خطرها و آفات شرعی و عقلی کار اطلاعاتی، و بررسی موجز کیفیت عمل تجسس در اسلام	تحلیلی - توصیفی	بررسی جایگاه اطلاعات و تحقیقات در اسلام	۵. احمدی میانجی، ۱۳۸۴
بررسی دامنه تجسس در آیات و روایات	تحلیلی - توصیفی	بررسی فقهی تجسس	۶. خرازی، ۱۳۸۰
مبانی حرمت تجسس با توجه به آیه شریفه ۱۲ سوره حجرات و احادیث از اهل سنت و برخی احکام تجسس علیه نظام اسلامی	تحلیلی - توصیفی	بررسی جایگاه و مأموریت‌های سازمان اطلاعات در اسلام	۷. منتظری، ۱۳۷۱

جدول ۱: پیشینه پژوهش



شایان ذکر است که در این مباحث به بحث تجسس با رویکرد به فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی پرداخته نشده است.

یافته‌های تحقیق

۱. یافته‌های توصیفی

برای انطباق چارچوب‌های مبتنی بر شرع مقدس با نظام امنیتی - اطلاعاتی ج.ا.ا، توجه به شرح وظایف وزارت اطلاعات در متن قانون تأسیس این وزارتخانه به عنوان شریان اصلی اطلاعاتی کشور لازم و ضروری می‌نماید و در واقع غرض از بررسی نظام امنیتی - اطلاعاتی در مقاله حاضر، مطالعه تطبیقی قوانین مرتبط با نهادهای اطلاعاتی و در رأس آن وزارت اطلاعات با منابع فقهی است که از روش اجتهادی به دست می‌آید. در قانون مذکور و در شرح وظایف وزارت اطلاعات در ماده ۱۰، امر تجسس در ابعاد مختلف مورد توجه قرار گرفته است.^۱

شکی نیست که عملیات اطلاعاتی - امنیتی در کار خود، ملاک‌های شرعی و قواعد سازگار با روح دینی را در نظر دارد. دلایل ضرورت وجود حکومت اسلامی به دو شکل عقلی و نقلی است. بی‌شک امنیت و اطلاعات از مستلزمات و مقدماتی است که دولت بر آن استوار است. مخفی نیست حفظ نظام و دولت حق و عدالت‌طلب، به دفع خطرهای جنبش‌های مخالف داخلی و پراکنده کردن تشکل‌های مخالف بستگی دارد و تنها ترس دولت و امت رویارویی ناگهانی با تجمع‌های مخالف و معارض با آنهاست که منجر به سقوط دولت می‌شود و خسارت‌های زیادی در اموال و افراد بر جای می‌گذارد. پس واضح است نظارت صحیح بر جنبش‌ها، فعالیت‌های مخالفان و ستون پنجم و اطلاع دقیق از جلسات سزّی آنها باعث جلوگیری از چنین آسیب‌هایی می‌شود. به عبارت دیگر، شکل‌گیری نظام اسلامی بر آماده‌سازی این دولت و تجهیزات استوار است و این امر پیش‌فرض مقاله حاضر است.

۲. یافته‌های تحلیلی

از آنجا که در این قسمت غرض استخراج حدود و ثغور و احکام به روش اجتهادی است و در این مجال ذکر کلیه مستندات نمی‌گنجد، به اهم موارد آن پرداخته خواهد شد.

۱. موارد و ادله جواز تجسس حکومت اسلامی (سازمان اطلاعاتی - امنیتی)

حاکم اسلامی در موارد بسیاری می‌تواند در جهت مقاصد حکومت اسلامی به تجسس از حریم خصوصی افراد بپردازد (مشکینی، ۱۳۸۶: ص ۱۲۹). در ذیل به این موارد پرداخته می‌شود.

۱.۱. بررسی احوال محرومان و افراد جامعه اسلامی

بر حاکم اسلامی ایجاد فضای قسط و عدالت واجب است؛ چه آنکه اساساً از جمله حکمت‌های تشریح و برپایی شرایع الهی، قسط و عدل است. بر این اساس، حاکم اسلامی در مسیر ایجاد حکومت عدل مطلوب باید از طریق تفقد و تجسس از احوال و امور زندگانی رعیت و اهالی تحت ولایت و حاکمیت خود آگاه باشد، حتی اگر خود قاصر از سرکشی از احوال آنهاست، و سائطی را برای این امر قرار دهد.

در ذیل روایات دال بر وجود عریف در عصر پیامبر اسلام و امامان را نقل می‌کنیم:

۱. عقبه بن بشیر می‌گوید: به حضور امام باقر علیه السلام رسیده، عرض کردم: قبیله من عریفی داشتند که مرده و خواستند مرا عریف قرار بدهند. شما چه صلاح می‌دانید؟ ابو جعفر علیه السلام فرمودند: اما اینکه گفتم قبیله من عریف داشتند، مرده و می‌خواهند مرا عریف قرار بدهند، اگر بهشت را دوست نمی‌داری و از آن بدت می‌آید، عریف باش. سلطان ظالم، مرد مسلمانی را بگیرد و خونس را بریزد و تو شریک خون او باشی! و شاید از دنیای آنها هم چیزی به تو نرسد (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۳، ص ۱۱۲).

از این روایت به دست می‌آید که عریف شدن از طرف حاکم جائز و ستمگر - که به ناحق مردم را می‌کشد - چنین عواقبی دارد، اما عریف شدن از سوی امام عادل و معصوم منعی



ندارد. نکته دیگر در این روایت اینکه عریف، مسئول امور قبیله بوده و از طرف سلطان مدیریت داشته است و قهراً چنین پیشامدهایی هم متوقع است.

۲. ابن عباس از رسول اکرم ﷺ نقل کرده است:

هرکس مقام عریفی قومی را قبول کند و با آنان خوب رفتار نکند، در پرتگاه جهنم است و در مقابل هر روزی که عریف بوده، هزار سال حبس می‌شود و در حالی محشور می‌گردد که دستش به گردنش با زنجیر بسته شده است. پس اگر در مقام حسابرسی معلوم شد که مطابق دستور خدا رفتار کرده، خدا او را آزاد می‌کند و اگر ظالم بوده، او را هفتاد سال در آتش جهنم نگه می‌دارند (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ص ۲۸۸).

همچنین از این حدیث معلوم می‌شود عریف شدن در آن زمان هم معمول بوده و آنچه موجب عقوبت و گرفتاری می‌شود، عمل بد و خلاف کردن است.

۳. کتانی از الاصابه ابن حجر نقل کرده که ابو عزیز جندب بن نعمان حضور حضرت رسول الله ﷺ رسید و حضرت او را عریف قوم خود قرار داد (ابن ادریس کتانی، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۲۳۶). همو نقل کرده که رافع بن خدیج انصاری در مدینه عریف قوم خود برای رسول اکرم ﷺ بود.

۴. در اصول کافی نقل شده است:

برای امیرالمؤمنین ﷺ از همدان و حلوان مقداری عسل و انجیر آوردند. به عریف‌ها دستور دادند که یتیمان را بیاورند و سپس ظرف‌های حاوی عسل و انجیر را به آنان داد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۴۰۶).

۵. در سیره ابن هشام آمده است:

وقتی اهالی مدینه در عقبه دوم با پیامبر بیعت کردند، آن حضرت آنها را مورد خطاب قرار دادند و فرمودند: «دوازده تن از شما به عنوان تقیب و

نماینده قوم خود نزد من آید». دوازده تن برخاستند، نه نفر از اوس و سه نفر از خزرج، سپس پیامبر اکرم ﷺ به آنان فرمودند: «شما کفیل مردم خود می‌باشید؛ همانند کفالت حواریون برای حضرت عیسی بن مریم ﷺ و من کفیل قوم خود هستم». آنها گفتند: آری، و پذیرفتند (ابن هشام، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ص ۸۸).

۶. امیرالمؤمنین ﷺ در نامه به مالک اشتر نخعی چنین می‌نویسند: «از احوال کسانی که به آنها دسترسی نداری و در چشم دیگران خوارند و مردم آنها را کوچک می‌شمارند، تفحص و تجسس بنمای» (نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، نامه ۵۳).

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت وجود عریف و نقیب به عنوان رابط بین حاکم و مردم برای اخبار از احوال آنها، مسلم و حق است. البته این مسئولیت بسیار دشوار است و نیاز به دقت نظر بسیار زیادی دارد.

۲.۱. گزینش کارگزاران حکومت اسلامی

برای هر حکومت و هر منصبی اختیار انسان‌هایی که شأنیت آن جایگاه را داشته باشند، از مدرکات بدیهی عقل است. بنای عقلای عالم و شارع مقدس نیز که رئیس ایشان است، بر همین منوال است. بر این اساس، برای حاکم اسلامی وجوب چنین بنایی برای انتخاب افراد سالم، خیرخواه، خدمتگزار و... صد چندان در مسیر اجرای فرامین الهی اهمیت دارد. بر مدعای خود در فقه می‌توان به قرار زیر استدلال اقامه نمود.

رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ به طور کلی در مورد استخدام و مخصوصاً در مورد انتخاب قضات و منشیان و فرماندهان، دستورهای داده‌اند که اینک مختصری از آنها را مطرح می‌کنیم. در روایتی از حضرت علی ﷺ به نقل از کتاب دعائم الاسلام^۲ به عهدی که رسول مکرم اسلام ﷺ با ایشان کرده‌اند، اشاره می‌فرمایند:

در وضع کارمندانی که استخدام می‌کنی، دقت کند! حتماً استخدام تو انتخاب و گزینش صحیح باشد، نه از روی رفاقت و دوستی؛ زیرا رفیق‌بازی



و ایثار (غیر عقلایی و بی جا) مجموعه‌ای است از انواع ظلم (به مردم) و خیانت به خدا، و باعث ضرر و زیان به ملت است، و امور مردم و مسئولین امر اصلاح نمی‌شود، مگر با اصلاح‌شدن کارمندان دولتی (سطح بالا و سطح پایین و مخصوصاً رؤسا و مدیران) که بر کارها گمارده شده‌اند و از طرف مسئولین، کارها را انجام می‌دهند. پس برای تصدّی امور، اهل ورع، فقه، علم و سیاست را انتخاب کن و با مردم تجربه‌دیده، عقلا و صاحبان حیا و خانواده‌های صالح و متدین و پرهیزکار ارتباط داشته باش؛ زیرا آنها دارای اخلاق کریم هستند و در حفظ نفس خود (از کارهای ناشایسته) بیشتر دقت می‌کنند. و از استخدام افرادی که دارای اخلاق نکوهیده تکبر، تجبر، نخوت و همچنین از به‌کارگیری کسانی که از مداحی و ثناگویی خوششان می‌آید و دنبال شرافت دنیوی‌اند، دوری کن (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵ق: ج ۱، ص ۳۶۹).

فعل «أَنْظِرْ» در صدر عهد رسول اکرم و امام ظهور در وجوب تفحص، دقت نظر و تجسس، امر «فَلْيُكُنْ اسْتِعْمَالُكَ آيَةً إِخْتِبَارًا» نیز ظهور در وجوب دقت در آزمایش دارد. از این فرمایش رسول اکرم اجمالاً مشروعیت اختیاری و آزمایش و تجسس، البته به مقدار ضروری به‌دست می‌آید.

۳.۱. تفحص از احوال و اعمال کارگزاران در مناصب حکومتی

به حکم عقل و شرع هر فرد که به‌عنوان کارگزار دولت (اسلامی) گماشته می‌شود، باید کاملاً مواظبت و بازرسی شود و عیون حاکم تمام اعمال او را نظاره کنند تا مبادا کاری کند که نظام مختل گردد و به مردم ظلم شود.

الف) ادله عقلی

۱. حریم افراد محترم است و به حکم عقل و شرع نقض آن جایز نمی‌باشد، اما فرد کارگزار از آن جهت که حریمش مرتبط با حریم تمام افراد حکومت است، اگرچه حفظ

حریم او نیز واجب است، اما با حفظ انتظام امور عباد در تراحم است که در این صورت از باب تقدیم اهم می‌توان به حکم عقل نظارت و اطلاع از احوال او توسط حاکم را جایز دانست؛ چنان‌که اصولیان یکی از مرجحات تراحم را جایی می‌دانند که یکی از ادله، اهمیتش بیشتر از دیگری باشد (غروی نایینی، ۱۳۲۴ق: ج ۲، ص ۳۲۲)؛ مثلاً اگر امر دایر شود بین حفظ جان فرد و حفظ مال او، قطعاً جان او مقدم است.

۲. ظلم به حکم عقل قبیح است. از آنجا که در بسیاری موارد کارگزاران دولت‌ها به مردم ظلم می‌کنند و وظیفه قانونی خود را انجام نمی‌دهند، عدم تجسس و دقت و نظارت حاکم نیز به حکم عقل ظلم است و فاعل آن مستحق عقاب است. لذا به حکم عقل، نظارت و تجسس جایز است.

ب) دلیل نقلی

امیرمؤمنان علی علیه السلام در مورد مراقبت از رفتار کارگزاران به مالک اشتر نخعی می‌فرماید: «از اعمال کارگزارانت تجسس و تفحص کن و جاسوسان و عیونی از اهل صدق و وفا بر آنها بگمار.»^۴

ج) بنای عقلا

از آنجا که عقل حکم به لزوم حفظ نظام اجتماع و حفظ انتظام امور عباد می‌کند و جلوگیری از اختلال در نظم عمومی جامعه را تقبیح می‌کند و مذموم می‌داند، به تبع این حکم عقل، عقلای عالم هر کجا که احتمال بر هم خوردن آن را بدهند، همانند جایی که افرادی را برای مناصبی انتخاب می‌کنند، برای جلوگیری و دفع شرور محتمل گماشتن جاسوس و عین را جایز و حتی گاهی آن را عقلاً واجب می‌دانند و خلاصه اینکه بنای آنها بر چنین عملی قائم است و شارع مقدس نیز نه تنها این بنا را ردع نفرموده است، بلکه آن را امضا فرموده است.



۴.۱. تجسس و تفحص از دشمنان

برای هر حکومتی از جمله حکومت اسلامی دشمنان بسیاری وجود دارد که اگر توان ضربه‌زدن و تخریب پیدا کنند، دریغ نمی‌ورزند. بر این اساس، بر حاکم اسلامی عقلاً و شرعاً و بر هر حاکمی عقلاً واجب است که از تحریکات دشمنان خود آگاه و از اسرار آنها باخبر باشد لازمه آگاهی از دشمن و سلاقی و تحرکات دشمن، تجسس مداوم از احوال دشمنان است. برای حجیت جواز مذکور برای حاکم اسلامی از منظر فقه شیعه می‌توان ادله کافی آورد. به‌طور کلی دشمن گاهی داخل حکومت اسلامی است و گاهی خارج از حکومت اسلامی و تجسس در احوال هر دو امکان دارد. بر این اساس، در ادامه به این مطلب می‌پردازیم.

الف) تفحص از دشمن داخلی

در زمان پیامبر اکرم ﷺ و امیرالمومنین علیه السلام که موفق به برپایی حکومت اسلامی شدند و نیز در زمان سایر ائمه، اخبار مربوط به منافقان و دشمنان داخلی از طرق مختلف به آنان می‌رسید که این دریافت اخبار از دو طریق بود:

اول اینکه به درخواست خود پیامبر و ائمه و با گماشتن عیون ثابت و یا دادن مأموریت ویژه به افرادی در موارد و موضوعات خاص، تفحص صورت می‌گرفته است.

دوم اینکه خود مردم و اصحاب به دلایل مختلف احساس وظیفه می‌کردند و اخبار پنهانی و مخفیانه منافقان را در اختیار پیامبر و یا ائمه قرار می‌دادند که مورد تأیید یا تحسین ایشان قرار می‌گرفت. در نتیجه می‌توان آن را مهر تأییدی بر درستی و لزوم انجام تجسس و نقل اخبار سری منافقین دانست (دموش‌العالمی، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۵).

ب) تفحص از دشمن خارجی

دشمن خارجی حکومت اسلامی همیشه به دنبال ضربه‌زدن و تخریب حکومت اسلامی است و حاکم اسلامی باید تمام هشپاری خود را در برابر آنها حفظ کند و تا مبادا



غفلت و بی‌توجهی او باعث از بین رفتن ارزش‌های اسلامی گردد. در زیر به بررسی ادله مشروعیت تجسس از دشمن خارجی می‌پردازیم:

یک: استناد به قاعده حفظ نظام

دو: حرمت اختلال در نظام

غفلت از دشمن و اطلاعات و اسرار او، از آنجا که مقدمه‌ای برای ایجاد اختلال در امور افراد و جامعه است و در صورت التزام به حرمت آن عقلاً آرامشی برای افراد که جزء اساسی حکومت و جامعه اسلامی هستند، نخواهد ماند و این حرمت تجسس هم مقدمه‌ای برای از بین رفتن نظم و نظام و اختلال در آن است، پس از باب مقدمه حرام (مقدمه اختلال که عقلاً حرام است) عقلاً نمی‌توان تجسس از امور دشمن را حرام دانست. بنابراین التزام به حرمت تجسس از حریم و اسرار و اطلاعات دشمن باعث ایجاد هرج و مرج و اختلال در نظام جامعه و انتظام امور افراد جامعه می‌گردد. پس حکم به حرمت، حکم ذی‌المقدمه را دارد و عقلاً مذموم است. بر این اساس، تجسس از دشمن مباح خواهد بود.

سه: مفاد قاعده لاضرر

از آنجا که حکم به حرمت تجسس از تحرکات و اسرار و اطلاعات دشمن باعث ضرر بسیار زیادی به حکومت اسلامی می‌شود و به‌طور کلی باعث وارد شدن ضرر بسیار به حکومت اسلامی و مسلمین می‌گردد، قاعده لاضرر بر ادله و عناوین اولیه حکومت دارد و باعث تضییق دایره حرمت به‌نحوی می‌گردد که تجسس از امور دشمن را از محدوده حرمت خارج می‌سازد. البته اگر قائل باشیم لاضرر حکم نیز جعل می‌کند، می‌توان حکم وجوب تجسس در موارد ضرری را از آن به‌دست آورد.

امام خمینی به دلیل قاعده که حدیث سمرة ابن جندب است، اشاره می‌کند و می‌فرماید: ورود بدون اجازه سمره به منزل صحابی، ضرر مالی و جانی برای صحابی

نداشت، اما چون از نگاه دیگران به اهل خانه خود ناراحت بود، به پیامبر شکایت برد و سرانجام پیامبر برای رفع این فشار روحی از صحابی دستور قطع نخل سمره را صادر فرمودند (امام خمینی: ج ۱، ص ۵۰).

حضرت امام خمینی با آن دید سیاسی و حکومتی که به اسلام دارد، به قاعده لاضرر نگاه کرده‌اند و آن را حکم حکومتی دانسته‌اند که از پیامبر ﷺ صادر شده است. مرحوم امام خمینی می‌فرمایند: پیامبر دارای سه منصب هستند:

الف) منصب رسالت و نبوت که بر اساس آن موظف به تبلیغ دین است.

ب) منصب قضاوت که بر اساس آن به رفع مراعات می‌پردازد.

ج) منصب زعامت و رهبری که بر اساس آن تدبیر امور امت می‌کند (همان).

ایشان می‌فرمایند: پیامبر قاعده لاضرر را بر اساس منصب زعامت و رهبری فرمودند؛ یعنی از آنجا که به من از ناحیه حق تعالی ولایت داده شده است، هرگونه ضرر و زیانی از مسلمانی به مسلمان دیگر (و به جامعه اسلامی) را نهی می‌کنم (امام خمینی: ج ۱، ص ۳۰).

نکته دیگری که امام خمینی به آن اشاره کرده، این است که ضرر و زیان اختصاص به امور مالی و جانی ندارد، بلکه اگر فردی یا گروهی بخواهند در اعتقادات و وحدت جامعه اسلامی خلل ایجاد کنند و تفرقه در دین به وجود آورند، بر حکومت است که با آنان برخورد و مرکز فتنه را خاموش کند؛ هرچند آن مرکز مسجد باشد. آن حضرت به جریان مسجد ضرار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ظاهر این است که ضرر در آیه کریمه ﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضُرَارًا﴾ به معنای رساندن مکروه (چیز ناخوشایند) به مؤمنان از طریق ایجاد شک در قلوب و تفرقه در صفوف مسلمین و پریشانی در دینشان است که خداوند پیامبر را از نیت آنان آگاه ساخت و دستور تخریب مسجد را صادر کرد و بعد از برگشت از جنگ تبوک، پیامبر امر به آتش زدن مسجد و انهدام آن فرمود (امام خمینی: ج ۱، ص ۳۱).

بر اساس این دیدگاه بر حاکم اسلامی لازم است ابزار لازم را برای دفع ضرر از مردم و نظام سیاسی جامعه فراهم سازد که یکی از ابزارهای مهم، راه‌اندازی تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی است که به جمع‌آوری اطلاعات و اخبار و تجسس بپردازد و قبل از وقوع با اشراف اطلاعاتی که وجود دارد، با دشمنان و فتنه‌گران برخورد کند.

۲. موارد حرمت و عدم جواز تجسس

تاکنون به موارد جواز تجسس پرداخته‌ایم. اینک به بررسی انواع تجسس غیر مشروع و حرام از منظر فقه امامیه می‌پردازیم و برای این منظور به تبیین آنها بر اساس ادله معتبر در فقه امامیه اعم از آیات، اخبار، دلیل عقل، اجماع و... پرداخته خواهد شد. انواع تجسس حرام را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: بخش نخست، تجسس از حریم افراد و بخش دوم، تجسس بر ضد حکومت اسلامی.

اول: بررسی تجسس از حریم افراد

خداوند متعال در سوره حجرات آیه ۱۲ صریحاً تجسس را تحریم کرده، این‌گونه می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها اجتناب کنید؛ زیرا بعضی از ظن‌ها گناه است و تجسس نکنید و برخی از شما غیبت برخی دیگر را نکنید! آیا یکی از شما دوست دارد گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ البته کراهت و نفرت دارد و تقوای الهی پیشه کنید؛ چه آنکه خداوند متعال تحقیقاً بسیار توبه‌پذیر و مهربان است (حجرات: ۱۲).

سیاق آیه شریفه فوق بیان برخی احکام اخلاقی اجتماعی است و از جمله احکام مستفاد از این آیه شریفه عبارت‌اند از:

۱. اجتناب از ظن بد در حق برادران دینی؛

۲. نهی از تجسس در احوال مردم؛

۳. نهی از غیبت و تحریم غیبت.

حکمی که در این مجال مد نظر است، تجسس از حریم دیگران است و چنان که از ظهور آیه شریفه برمی آید، حکم تجسس، حرمت است؛ چرا که در آیه شریفه از تجسس نهی شده است و نهی ظهور در حرمت دارد (بشروی خراسانی، ۱۴۱۲ق: ص ۸۹؛ علامه حلی، ۱۴۰۶ق: ص ۱۱۶). با توجه به قرائنی که در آیه شریفه وجود دارد، می توان مدعی شد که همه نواهی موجود در آیه شریفه انصراف^۵ به جایی دارد که مقاصد شرّ وجود دارد، و با قرائن موجود در آیه، تجسس در جایی که مقاصد خیر در کار باشد، از موضوع آیه شریفه خارج است. از این قرائن می توان به قرینه مقابله، انصراف ظهور لفظ، تبادر و قول لغوی اشاره کرد.

همچنین درباره آیه ۱۹ سوره نور در احادیث نقل شده است که مجرد آشکارکردن بدی مؤمن، داخل در این آیه است:

هرکس درباره مؤمنی چیزی را بگوید که با دو چشمش دیده و با دو گوشش شنیده باشد (و بدی مسلمانی را شایع سازد) از جمله اشخاصی است که خداوند عزوجل در مورد آنها فرموده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَجْبُونَ أَنْ تَشِيَعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۳۵۷).

آیات شریفه دیگر که می توان درباره حکم تجسس به آنها استناد کرد، آیات ۲۷ و ۲۸ سوره مبارکه نور، آیه شریفه ۱۸۹ سوره بقره، آیه شریفه ۹۴ سوره مبارکه نساء می باشند.

خلاصه اینکه از برخی آیات استفاده حرمت تجسس معنیا به مقاصد شرّ می شود، اما از مجموع آیات استفاده می شود که تجسس از حریم دیگران از منظر قرآن به طور مطلق جایز نیست و خروج هر مصداقی محتاج دلیل خاص است، اعم از اینکه فاعل آن افراد حقیقی باشند یا افراد حقوقی، همانند کارگزاران حکومت اسلامی و خروج هر مصداقی از مقتضای آیات شریفه دلیل می طلبد.

دوم: تجسس ضد حکومت اسلامی

نوع دیگری از تجسس که از منظر فقه شیعه ممنوع و حرام است، تجسس علیه حکومت اسلامی است. در اینجا به بررسی مبانی حرمت تجسس علیه بیضه و نظام اسلام پرداخته می‌شود.

الف) آیات

تجسس بر ضد حکومت اسلامی، خیانت محسوب می‌شود و با توجه به آیات شریفه قرآن کریم حرام است. برای مثال به مقتضای اطلاق آیه شریفه «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید و تجسس نکنید و برخی از شما غیبت برخی دیگر را نکنید...» (حجرات: ۱۲)، تجسس علیه حکومت اسلامی جایز نیست و نهی از تجسس در آیه شریفه ظهور در حرمت دارد و حذف متعلق نهی، دلالت بر عموم نهی می‌نماید. پس بدین وسیله تجسس علیه نظام اسلامی نیز مشمول نهی آیه شریفه است.

از دیگر آیات مرتبط با حرمت تجسس برای کفار علیه نظام اسلامی، آیه شریفه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (انفال: ۲۷) است. در این آیه شریفه مؤمنان از خیانت به خدا و رسول اکرم نهی شده‌اند و این نهی ظهور در حرمت دارد. تجسس علیه حکومت اسلامی مصداق خیانت به رسول و خداوند متعال است و داخل در متعلق نهی است.

آیات دیگری که می‌توان از آن حکم حرمت تجسس علیه نظام را استفاده کرد، مجموعه‌ای از آیات است که در آنها مؤمنان از دوستی با کفار نهی شده‌اند.

ب) روایات

از ائمه اطهار نقل شده است: «الْجَاسُوسُ وَالْعَيْنُ إِذَا طَفِرَ بِهِمَا قَتِلَ» (محدث نوری، ۱۳۶۹: ج ۱۱، ص ۹۸). حکم به وجوب قتل جاسوسی که برای کفار خبرچینی می‌کند، حاکی از حرمت تجسس علیه نظام اسلامی از منظر ائمه‌ی اطهار است.

ج) اجماع مسلمین

اجماع در اینجا مدرکی و فاقد حجیت است، اما اشاره‌ای به آن خالی از فایده نیست. کشف اسرار پنهان مسلمانان برای دشمنان آنها، به اجماع مسلمین حرام است، خواه این کار با جاسوسی و خواه مزدوری یا هر روش دیگر باشد (طباطبایی، ۱۳۹۳ق: ج ۱۱، ص ۳۳۴؛ سیوطی، ۱۴۲۴ق: ج ۴، ص ۳۳؛ فیروزآبادی، بی‌تا: ص ۴۳۶).

بر اساس آنچه گذشت، می‌توان نتیجه گرفت از منظر فقه امامیه دو نوع تجسس حرام وجود دارد: ۱. تجسس از حریم خصوصی افراد که به‌طور مطلق بر اساس آنچه از ادله احکام در فقه شیعه بیان شد. ۲. تجسس بر ضد نظام و بیضه اسلام.

نتیجه‌گیری

زندگی اجتماعی ناگزیر از رعایت سلسله الزامات مرتبط با آن است که طبیعت دوگانه فردی و جمعی وی، چنان به‌هم آمیختگی به‌وجود آورده است که جمع میان آن دو بر این مشکل افزوده است. در این مقاله ابتدا پس از بررسی پیشینه، تاریخچه و مفاهیم بحث و بررسی مأموریت‌های وزارت اطلاعات، به مطالعه‌ای تطبیقی پرداختیم و تشکیل و حفظ نظام اسلامی با عملیات تجسسی مفروض گرفته شد. سپس موارد و ادله جواز تجسس حاکم و حکومت اسلامی - البته منظور بازوی اطلاعاتی حاکمیت است - بررسی گردید. در این قسمت با ذکر ادله عقلی و نقلی، حدود و ثغور و جواز تجسس از احوال افراد جامعه اسلامی و اعمال کارگزاران و صاحبان مناصب حکومتی در گزینش کارگزاران، و نیز تجسس از دشمنان اعم داخلی و خارجی واکاوی شد. در پایان موارد حرمت و عدم جواز تجسس در دو بخش تجسس از حریم افراد و تجسس ضد حکومت اسلامی مورد فحص و تدقیق واقع شد. در مورد تجسس از حریم افراد، با توجه به ادله‌ای که بررسی شد، می‌توان گفت از مجموع ادله، حرمت تجسس به‌طور مطلق به‌دست می‌آید، چه تجسس مغیبا به اغراض سوء و چه مغیبا به اغراض نیک و خیر باشد. مستند اصلی حرمت تجسس و تفتیش از حریم افراد دلیل و حکم عقل به ظلم‌بودن آن و عدم ولایت هیچ احدی بر



دیگری است که مقتضای این ادله حرمت به نحو اطلاق است و ادله شرعی اعم از آیات و روایات، به این حکم عقل ارشاد می‌کنند. اگر بگوییم ادله حرمت تجسس، مطلق است و همه موارد تفتیش و تجسس را شامل می‌شود، در موردی که بین عنوان تجسس با عناوین و حالات مختلف دیگر تعارض و تنافی حاصل شود، باید طبق قانون تراحم عمل کرد و اهم و اصلح را مشخص ساخت و آن را مقدم کرد، اما اگر موضوع تجسس حرام را مقید به هتک عرض افراد و اغراض فاسد بدانیم، قهراً در مواردی که اغراض صحیح و مفید مقصود باشد، تخصصاً از موضوع تجسس حرام خارج خواهد بود. تجسس ضد حکومت اسلامی نیز با استناد به ادله عقلی اعم از قاعده حفظ نظام، حرمت اختلال در نظام و ظلم بودن تجسس علیه نظم، ادله نقلی اعم از آیات و روایات و تمسک به اجماع مسلمین، حرام است.

پیشنهادها

از آنجا که پژوهش‌های فقهی ناظر بر حوزه اطلاعاتی که از مباحث فقه حکومتی محسوب می‌گردد، مباحثی نو و چند وجهی است، پیشنهادهای ذیل برای تکمیل پژوهش‌های مربوط به این حوزه ارائه می‌گردد:

۱. استفاده از قواعد فقهی و مباحث فقه سیاسی در تبیین بهتر احکام ناظر بر مأموریت‌های اطلاعاتی؛

۲. انجام پژوهش و مطالعات تکمیلی درباره مواردی که بین عنوان تجسس با عناوین و حالات مختلف دیگر تعارض و تنافی پیدا می‌کند.

پی‌نوشت:

۱. ر.ک: ماده ۱۰ قانون تاسیس وزارت اطلاعات مورخ ۱۳۶۲/۶/۳، سایت واجا: www.vajja.ir
۲. دعائم الإسلام اثر ابوحنیفه نعمان بن محمد بن منصور بن احمد بن خیون تمیمی مغربی. ابن حیون (۲۵۹-۳۶۳ق)، از دانشمندان قرن چهارم و از فقهای بزرگ اسماعیلیه است.

٣. «أَنْظُرْ فِي أُمُورِ عَمَالِكَ الَّذِينَ تَسْتَعْمِلُهُمْ فَلْيَكُنْ اسْتِعْمَالُكَ إِيَّاهُ إِخْتِيَارًا وَلَا يَكُنْ مُحَابَاةً وَلَا إِشَارًا فَإِنَّ الْاَثْرَةَ بِالْأَعْمَالِ وَالْمُحَابَاةَ بِهَا جَمَاعٌ مِنْ شُعْبِ الْجَوْرِ وَالْخِيَانَةِ لِلَّهِ وَادْخَالَ الضَّرَرَ عَلَى النَّاسِ وَ لَيْسَتْ تَصْلُحُ أُمُورُ النَّاسِ وَلَا أُمُورُ الْوَلَاةِ إِلَّا بِصَلَاحٍ مَنْ تَسْتَعِينُونَ بِهِ عَلَى أُمُورِهِمْ وَ يَخْتَارُونَهُ لِكِفَايَةِ مَا غَابَ عَنْهُمْ، فَاصْطَفِ لِيَوْلَايَةِ أَعْمَالِكَ أَهْلَ الْوَزَعِ وَ الْفِقْهِ وَ الْعِلْمِ وَ السِّيَاسَةِ وَ الصِّقِّ بِذَوِي التَّجَرُّبَةِ وَ الْمُقُولِ وَ الْحَيَاءِ وَ مِنْ أَهْلِ الْبَيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ، وَ أَهْلِ الدِّينِ وَ الْوَزَعِ فَإِنَّهُمْ أَكْرَمُ أَخْلَاقًا وَ أَشَدُّ لِنَفْسِهِمْ صَوْنًا وَ إِضْلَاحًا وَ أَقْلٌ فِي الْمَطَامِعِ إِشْرَافًا وَ أَحْسَنُ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ نَظْرًا مِنْ غَيْرِهِمْ فَلْيَكُونُوا عَمَالِكَ وَ أَعْوَانِكَ وَ لَا تَسْتَعْمِلِ إِلَّا شَيْعَتَكَ مِنْهُمْ... وَ احذِرْ أَنْ تَسْتَعْمِلَ أَهْلَ التَّكْبُرِ وَ التَّجَبُّرِ وَ النُّخُوةَ وَ مَنْ يَجِبُ الْإِطْرَاءَ وَ الثَّنَاءَ وَ الدُّكْرَ وَ يَطْلُبُ شَرَفَ الدُّنْيَا».

٤. نهج البلاغه، نامه ٥٣، تحف العقول، ص ١٣٧؛ بحار الانوار، ج ١٧، ص ٦٩، ج ٣٣، ص ٦٠٦، ج ٧٤، ص ٢٥٣؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ١٣، ص ١٦٦؛ منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٤٢؛ جامع احادیث الشیعه، ج ٢٢، ص ٦٥٠؛ شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ١٧، ص ٦٩؛ مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ٤، ص ٣١١.

٥. انصراف ظهوری.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن‌ابی‌الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، مكتبة آيت الله المرعشي النجفی، قم.
۴. ابن‌ادريس كنانی، عبدالحی (۱۴۱۳ق)، تراثیب الاداریة، دارالفكر، بیروت.
۵. ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، دار الشریف الرضی للنشر، قم.
۶. ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، دارالفكر، بیروت.
۷. ابن‌هشام، عبدالملک (۱۴۱۲ق)، السیرة النبویة، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۸. احمدی میانجی، علی (۱۳۸۴)، اطلاعات و تحقیقات در اسلام، دادگستر، تهران.
۹. الواری، غلام و حسین صابری، (۱۳۸۷)، «پژوهشی فقهی - جزایی در تجسس و تفتیش عقاید»، فصلنامه مقالات و بررسی‌ها، ش ۸۹.
۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۸۷)، مترجم: عبدالعلی‌نور احراری، صحیح البخاری، تربت جام: شیخ‌الاسلام احمد جام.
۱۱. بشروی خراسانی، عبدالله بن محمد، فاضل تونی (۱۴۱۲ق)، الوافیة فی اصول الفقه، مجمع فکر الاسلامی.
۱۲. تمیمی مغربی، ابوحنیفه نعمان بن محمد (۱۳۸۵ق)، دعائم الاسلام فی ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام، مؤسسه آل‌البتیة، قم.
۱۳. ثعالی، ابوزید عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۶ق)، الجواهر الحسان (تفسیر ثعالی)، به کوشش ابومحمد غماری، دار الکتب، بیروت.
۱۴. حرانی، حسن بن علی بن حسین، (۱۴۰۲ق)، تحف العقول، انتشارات اسلامی، قم.
۱۵. خرازی، سید محسن (۱۳۸۰)، «کاوشی در حکم فقهی تجسس»، فصلنامه فقه اهل بیت، ش ۲۶.
۱۶. خویی، میرزا حبیب الله، (بی‌تا)، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، مکتبه الاسلامیه، تهران.



۱۷. دیموش العالمی، علی (۱۳۸۷)، دایرة المعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی، ترجمه باقری‌مهیارى، غلامحسین؛ گرمادری، رضا، انتشارات دانشگاه امام حسین علیه السلام، تهران.
۱۸. سیوطی، عبدالرحمن ابی بکر، (۱۴۲۴ق)، الدر المنثور فى التفسیر بالمأثور، مكتبة آیت‌الله المرعشى النجفی، قم.
۱۹. شرتونی، سعیدخوری (۱۴۰۳ق)، اقرب الموارد، منشورات مكتبة آیت‌الله مرعشى نجفی، قم.
۲۰. طباطبایى، سید محمدحسین (۱۳۹۳ق)، المیزان فى تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
۲۱. طبرسى، فضل بن حسن (بی‌تا)، المؤلف من المختلف بین ائمه السلف، مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد.
۲۲. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۴۱۰ق)، مجمع البحرین، دارالکتب العربیه، بیروت.
۲۳. طوسی، جعفر محمد بن الحسن، (بی‌تا)، رجال الطوسی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
۲۴. عسقلانی، ابوالفضل شهاب‌الدین احمد (۱۴۱۰ق)، فتح الباری فى شرح صحیح البخاری، دارالمعرفه، بیروت.
۲۵. عظیمی گرکانی، هادی (۱۳۸۷)، «بررسی فقهی تجسس در اسلام»، فصلنامه فقه و تاریخ تمدن، ش ۱۷.
۲۶. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۷ق)، کشف المراد فى شرح تجرید الاعتقاد، موسسه النشر الاسلامی، قم.
۲۷. _____ (۱۴۰۶ق)، مبادئ الوصول الى علم الاصول، دار الاضواء، بیروت.
۲۸. علی اکبری بابوکانی، احسان و اسماعیل اسفندیاری (۱۳۸۸)، «بررسی قلمرو حکم اولیه جاسوسی و تجسس در اسلام»، فصلنامه بلاغ مبین، ش ۲۱.
۲۹. علی اکبری بابوکانی، احسان، صادقی، حسین، (۱۳۹۱)، تجسس از حریم خصوصی افراد در فقه امامیه، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران.
۳۰. غروی نایینی، محمد حسن (۱۳۲۴ق)، فوائد الاصول، به قلم محمدعلی کاظمینی، اسلامی، قم.
۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العين، نشر هجرت، قم.
۳۲. فیروزآبادی، ابوطاهر (بی‌تا)، تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس، دار الکتب العلمیه، بیروت.
۳۳. فیض کاشانی، محمد بن محسن (۱۳۸۸)، معادن الحکمة، به کوشش علی اکبر غفاری، مكتبة الصدوق، تهران.

۳۴. قلقشندی، ابوالعباس احمد (۱۳۳۴ق)، صبح الاعشى فى صناعة النشاء، دارالكتاب السلطانيه، قاهره.

۳۵. كلينى، محمد بن يعقوب (۱۴۰۷ق)، الكافى، دار الكتب الإسلامية، تهران.

۳۶. مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربى، بيروت.

۳۷. محدث نورى، ميرزا حسين (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت، بيروت.

۳۸. محقق، محمدباقر (بی تا)، دایرة الفرائد در فرهنگ قرآن، بعثت، تهران.

۳۹. مذکور، محمد (۱۳۷۸)، مباحث الحکم عند الاصولیین، انتشارات اسلامیه، تهران.

۴۰. مشکینی، میرزا علی اکبر (۱۳۸۶)، مصطلحات الفقه، الهادى، قم.

۴۱. المطهر الحلى، جمال الدين الحسن بن يوسف (۱۴۰۵ هـ - ۱۹۸۵ م)، الالفین فی امامة

اميرالمؤمنين على بن ابى طالب (ع)، نشر مكتبه الالفين، كويت.

۴۲. منتظرى، حسينعلى (۱۳۷۱)، مباني فقهى حكومت اسلامى، ترجمه و تقرير ابوالفضل شكورى، نشر تفكر، تهران.

۴۳. موسوى خمينى، روح الله (بی تا)، الرسائل العشره، ناشر مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى، تهران.

۴۴. _____ (بی تا)، صحيفه نور، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى، تهران.

۴۵. نجار، عبد الوهاب (بی تا)، قصص الانبياء، دار الرائد العربى، بيروت.

۴۶. هانى، احمد (۱۹۷۴ق)، الجاسوسية بين الوقايه و العلاج، الشركة المنجدة للنشر والتوزيع، قاهره.

سایتها

۴۷. سایت وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران، بخش قوانین و مقررات، به نشانی: www.vaja.ir

۴۸. نرم افزار جامع الاحادیث ۳.۵، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۴۹. نرم افزار جامع التفاسیر نور ۳، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

